

برخی نمایندگان مجلس مانند فاطمه حقیقت‌جو و محسن آرمین برای تشدید فضا به کوی دانشگاه می‌رفتند | ستاد هدایت جریان اپوزیسیون، دانشجویی و ملی - مذهبی در وزارت کشور بود.

موفقیت ما با کمک نیروهای مردمی بود؛



فرمانده پیشین نیروی انتظامی تهران بزرگ می‌گوید که حسن روحانی در سال ۸۲ اجازه ورود ناجا به کوی دانشگاه را صادر کرده بود اما او از این مصوبه استفاده نکرد «تا لحظه‌ای که دانشجویان خودشان از پلیس خواستند وارد کوی شود.» به گزارش اسپاداناخبر، سردار مرتضی طلائی در مصاحبه‌ای تفصیلی با خبرگزاری تسنیم گفته است: * در سال ۸۰ که بنده به تهران آمدم، از فرماندهی ناجا آقای سردار قالیباف اجازه گرفتم که با بچه‌های تحکیم وحدت مذاکره کنم تا موضوع ۱۸ تیر را از تقویم سیاسی خارج کنیم و به دنبال این مذاکرات، راهی برای چگونگی خارج کردن ۱۸ تیر از تقویم سیاسی را دنبال کنیم، زیرا هر سال ۱۸ تیر آغازی برای یک دوره حوادث بود. * در همین ساختمان فعلی مجلس شورای اسلامی که در آن زمان در حال ساخت بود، آقای قالیباف به بنده در این رابطه اجازه دادند و چارچوبی مشخص کردند که با تحکیم وحدت‌ها مذاکره کنم؛ خیلی جالب بود که ایشان (قالیباف) به من گفتند که اگرچه آن‌ها خیلی خواسته‌ها و توقعات دارند و آن را مطرح می‌کنند، اما شما در این چارچوب با آن‌ها مذاکره کنید. بنده با این‌ها مذاکره کردم و دیدم که همان‌طور که پیش‌بینی می‌شد و گفته شده بود، آن‌ها یک سری خواسته‌هایی نظیر آزادی زندانیان سیاسی و عذرخواهی پلیس را مطرح کردند. * بنده یادم هست که در آن جلسه به اعضای تحکیم وحدت عرض کردم که حدود اختیارات من در حوزه پلیس تهران است و موضوع شما هم با پلیس تهران بوده است و کاری به پلیس کشور ندارد. بنابراین در حوزه پلیس تهران نزد شما آمده‌ام و می‌خواهم بینم که چه کاری می‌توان انجام داد که موضوع ۱۸ تیر که به یک جریان سیاسی تبدیل می‌شود را حل کنیم. * نهایتاً آن جلسه نتیجه قابل‌قبولی نه برای آن‌ها و نه برای ما داشت، اما در ادامه بنده استارت جداسازی جریان و بدنه دانشجویی از بهره‌برداران سیاسی را کردم و آن هم این بود که در یک سخنرانی و مصاحبه آن را اعلام کردم. بچه‌ها هماهنگ کردند که در سالن مسجد کوی دانشگاه سخنرانی کردم و بابت آنچه که در آن حادثه گذشته اتفاق افتاده بود، عذرخواهی کردم و به آن دلیل عذرخواهی کردم که منجر به دلخوری دانشجویان از پلیس شده بود و گفتم فارغ از اینکه بخواهم بینم حق با پلیس و یا با شما بوده، آمده‌ام به عنوان رئیس پلیس تهران از شما دلجویی کنم و اگر از سوی همکاران من با کسی برخوردی شده عذرخواهی می‌کنم، این نقطه آغاز و تعاملی برای ارتباط‌گیری با جریان دانشجویی شد. * در سال ۸۲ به عنوان نمونه که سخت‌ترین سال برگزاری سالگرد ۱۸ تیر بود (آن سال آخرین سال بود و غائله جمع شد) این مراسم در شرایطی بود که نمایندگانشان در مجلس مانند فاطمه حقیقت‌جو و محسن آرمین و برخی در داخل وزارت کشور، شب‌ها داخل کوی می‌رفتند و با بچه‌های دانشجو جلسه می‌گذاشتند و متأسفانه این‌ها به جای اینکه به سمت آرام‌سازی فضا حرکت کنند، برای تشدید فضا به کوی دانشگاه می‌رفتند. * اگر یادتان باشد، مراسم سالگرد ۱۸ تیرسال ۸۲، از ۲۰ خرداد شروع شد، یعنی بعد از غائله ۷۸ تا سال ۸۲، این‌ها هر سال سالگرد ۱۸ تیر را می‌گرفتند و برای دیگر مناسبت‌ها هم مراسم برگزار می‌کردند. سال ۸۲ در واقع یک گام دیگری به طور جدی و سازماندهی و برنامه‌ریزی‌شده‌تر طراحی کردند به نحوی که ماهواره‌ها نقش هدایت‌گری و تهییج و اعتراض را برعهده داشتند. در اطلاعاتی که بعدها بخش‌هایی از آن به دست آمده، این‌ها حتی جایگزین و آلترناتیو حکومت را هم پیش‌بینی کرده بودند! در درون هم این جریان دنبال این بود که کشته‌سازی را دنبال و درگیری‌ها و تنش‌ها بین پلیس و حوزه دانشجویی را تشدید کنند. همان‌طور که عرض کردم، بنده از سال ۸۰ که به تهران آمدم و با نقطه آغازی که شروع کردیم، توانستیم یک ارتباط نسبتاً نزدیکی را با فضاها و نیروهای دانشجویی برقرار کنیم. * یک مجموعه حوادث آن دوره در سطح دولت در جریان بود که خود آقای قالیباف به عنوان رئیس ناجا درگیر آن بودند. کار به جایی رسید که یک روز آقای قالیباف تا مرز رفتن به وزارت کشور و در دست گرفتن کار پیش رفت. چرا؟ چون که در واقع ستاد هدایت جریان اپوزیسیون، دانشجویی و ملی - مذهبی به نوعی در وزارت کشور و از سوی برخی افراد در حال هدایت شدن بود. البته این بدان معنا نیست که همه وزارت کشور درگیر این موضوع بودند. * از آن طرف در جلسات شورای امنیت کشور که آقای قالیباف در آن جلسات شرکت می‌کرد ما نیز گزارش‌هایی به وی می‌دادیم و در آن اعلام می‌کردیم که اوضاع چگونه است و چه گذشته است و آقای قالیباف هم گزارشات ما را در جلسات

ارائه می‌کرد. البته شورای امنیتی که باید مسیرش در واقع مدیریت بحران و حادثه باشد هر کدام حاشیه‌هایی برای خودش داشتند. * ما در شورای تأمین تهران می‌نشستیم و تصمیم می‌گرفتیم که کار چگونه پیش برود اما کار به این شکل بود که برخی از دوستان با جریان‌های مختلف می‌نشستند و با استانداری هماهنگ می‌کردند که چه کاری انجام شود. ما که به عنوان نیروی امنیتی مسئول حفظ امنیت شهر بودیم به این میزان که آن‌ها با استاندار در ارتباط بودند ارتباط نداشتیم. * نکته دوم این بود که آن‌ها دنبال این بودند که کشته‌سازی کنند و خودشان می‌گفتند نیازمند پیرهن خونی هستیم! حتی در حاشیه این اتفاقات پلیس فردی را گرفته بود که از غرب کشور آمده بود و اسلحه کوچکی به اندازه خودکار در دستش بود. این‌ها به دنبال این بودند که پلیس را در ماجرای کوی دانشگاه عصبانی کنند تا واکنش نشان دهد. یک کوی بود و چندین هزار دانشجو! سیاست‌شان این بود که عناصر اصلی در داخل خود کوی مستقر هستند و دانشجویان را تحریک می‌کنند که به بیرون بیایند و بعد عملیات ویرانگری را انجام دهند. ما می‌دانستیم که تعدادشان زیاد نیست و اکثر قاطع بچه‌های دانشجو تحت تأثیر جوسازی آن‌ها بیرون می‌آیند و ما این سیاست را دنبال کردیم که باید صف بچه‌های دانشجو با این‌ها را از هم جدا کنیم. به همین دلیل آن‌ها تا ساعت ۳ صبح در خیابان امیرآباد برخی وسایل را آتش می‌زدند یا کوکتل مولوتوف می‌زدند و به سمت پلیس سنگ پرتاب می‌کردند و ساعت ۳ صبح خسته می‌شدند و داخل کوی می‌رفتند. همزمان بچه‌های مدیریت شهری خیابان را پاکسازی می‌کردند و بنده می‌رفتم جلوی یکی از درب‌های کوی می‌نشستم و این بچه‌های کوی سراغ ما می‌آمدند و تا نماز صبح که دو ساعت فرصت داشتیم با آن‌ها گفتگو می‌کردیم و ابهام‌زدایی می‌کردیم. در یک ماهی که این اتفاق رخ داد ما بچه‌های دانشجو را آگاه می‌کردیم. * در همین فاصله یادم هست که رسانه‌های وابسته به جریان اصلاح طلب هم مرتب کارش این بود که یک گزارش خلاف واقع از برخوردهای پلیس منتشر کند. یکی از این روزها یادم هست با آقای فاتح که در آن زمان در خبرگزاری ایسنا بود تماس گرفتم و گفتم چرا بچه‌های شما خبری را کار کردند که صحت ندارد. وی گفت منظور ما چیز دیگری بود! بنده گفتم شما خبرهایی را منتشر می‌کنید که تهییج‌کننده است و واقعیت ندارد. به آقای فاتح گفتم خود شما بیاید از نزدیک هر آنچه که در کوی دانشگاه و خیابان امیرآباد اتفاق می‌افتد را ببینید و همان را منتشر کنید. وی گفت آیا اجازه این کار را به من می‌دهید؟ بنده گفتم حتماً بیاید و بقیه مدیر مسئولان رسانه‌ها را هماهنگ کنید و گزارشی از وضعیت تهیه کنید. * یک نکته‌ای که بنده باید بگویم که در تاریخ ماندگار شود درباره بعضی افراد که منسوب به لباس شخصی هستند، است. سال ۸۲ هم سرانجام موفقیت ما با کمک نیروهای مردمی و دلسوز انقلاب بود که به پلیس یاری دادند. ما همان زمان گفتیم نیروهای مردمی باید لایه‌بندی شوند. پلیس یک وظیفه دارد و تا زمانی که پلیس آماده و در صحنه است دخالت در کار پلیس منجر به سوءاستفاده می‌شود. نیروی امنیتی باید بتواند صف تماشاگر را از صف آشوب طلب جدا کند. من یک ماه شب و روز در کنار کوی دانشجو بودم - حتی برخی شب‌ها از فرط خستگی روی کارتن می‌خوابیدم و یک ساعت استراحت می‌کردم - دنبال این بودم صف جوانی که خانواده‌اش او را به امید تحصیل و متخصص شدن به تهران فرستادند از صف انسان ابزار دست گروه‌ها و جریان‌های سیاسی جدا کنم تا به قصد سوءاستفاده و آسیب زدن به نظام از دانشجو ابزار نسازند. * نمی‌شود تاریخ را عوض کرد. در جلسه‌ای با حضور روحانی، مصطفی معین و وزیر کشور به پلیس ابلاغ کردند که وارد کوی شود و اختیار دادند که برای جمع کردن موضوع وارد کوی شود. گزارشی که از چندین شب حوادث شهر تهران ارائه شده بود که زندگی مردم مختل شده و این گزارش‌ها به شورای امنیت و وزارت کشور می‌آمد و دستگاه‌ها بررسی می‌کردند، احساس شد ادامه این وضع مصلحت نیست و به پلیس دستور دادند که ورود کنیم و عناصر محل نظم را دستگیر کنیم. * این مصوبه بود یعنی جمع موافق این حرکت بود و دبیر جلسه آقای روحانی بود. فردای آن روز دکتر قالیباف من را خواست و گفت «اجازه ورود به کوی داده شده اما شما تدبیر خود را عمل کن هرچند ما قصد ورود به کوی نداریم.» من هم علی‌رغم این اجازه از این مصوبه استفاده نکردم و ماندم تا لحظه‌ای که دانشجویان خودشان از پلیس خواستند وارد کوی شود. آنچه به قالیباف نسبت داده شده بود جفا به نیروی انتظامی و کسانی بود که یک ماه شبانه روز در خیابان‌ها بودند. گازانبوری را خود دوستان تصمیم گرفتند هرچند آن هم اجازه قانونی بود اما متأسفانه یک مصوبه قانونی طبقه‌بندی شده را افشا کردند. تصمیمات زمان‌بندی و طبقه‌بندی دارد و از مراحل محرمانه در یک فرایندی بیرون می‌آید و در این سال‌ها صحبتی نبود که این مصوبه از طبقه‌بندی درآمده اما متأسفانه این یک کم‌لطفی بود و برخلاف واقع چیزی به پلیس نسبت دادند و از یک مصوبه محرمانه استفاده سیاسی شد.

برچسب‌ها: [نیروی انتظامی](#) [1]

[دانشجو](#) [2]

[اعتراض](#) [3]